

## عدالت ترمیمی، دریچه‌ای به سوی اندیشه تحدید مجازات‌گرایی

علی فرهادی<sup>۱</sup>

### چکیده

گفتگو با قضات دادگستری در خصوص قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ و بررسی نظر آنان راجع به قانون، این پیشنهاد را مطرح می‌کند که اغلب ایشان از ایجاد شرایطی که قاضی مورد نظارت و تحدید بیشتر قرار گرفته یا حقوقی که به متهم داده شده و تاکنون چنین تأکیدی به صراحت سابقه نداشته است، به نوعی اظهار ناخوشایندی دارند. رعایت حقوق شهروندی و تفهیم آن به متهم، ابلاغ موضوع و ادله اتهامی به متهم در اسرع وقت، اطلاع‌رسانی حضوری به خانواده وی و درخواست وکیل برای پاسخ‌گویی در مراحل اولیه مواردی است که به نظر قضات به‌ویژه مقامات دادسرا موجب تجزی متهم یا لوٹ شدن جرم یا فراری شدن او از مجازات یا اعمال مجازات کمتر می‌گردد.

عدم رعایت این موارد و اعمال تخلف برای قضات یا مجرمانه بودن برخی از آن‌ها که به صراحت در قانون درج گردیده و همه اشخاص می‌توانند آن را مطالعه یا مورد دست‌آویز قرار دهند برای قضات خوشایند نیست.

آنچه در این نوشته به آن می‌پردازیم نگاه جدید به این حقوق و تحدیدات است که ضمن تعدیل ذهن قضات در بسیاری از جرایم تعزیری، آینده‌ای را ترسیم می‌کند که جامعه، مصون از افراد برجسب‌دار، مجرم و بدون روحیه به حیات خود ادامه می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** عدالت ترمیمی، مجازات‌گرایی

۱- کارشناس ارشد حقوق کیفری، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آکسفورد

## مقدمه

قالبه قضات کشور اطلاع دارند که به‌عنوان قاضی مأذون تلقی می‌گردند و شرط اصلی قضاوت در اسلام یعنی اجتهاد را ندارند. اجتهاد و اسم فاعل آن یعنی مجتهد، آن‌چنان که در تعریف آمده، عبارت از کسی است که تحصیلات مخصوص کرده باشد و به یاری آن تحصیلات بتواند فروع و حوادث را از منابع فقه استخراج کند.<sup>۱</sup> قاضی مجتهد فردی است که ضمن احراز جرم و شرایط مجرم می‌تواند مصلحت او را در تعقیب یا عفو احراز نماید و با شناختی که از دین اسلام دارد، آنچه را که نظر واقعی اسلام است اعمال نماید. مجتهد کسی است که رحمانیت اسلام را در منابع حقوق آن اعم از کتاب و سنت پیامبر (ص) و معصومین (ع) شناخته و هر قضاوتی نماید و حکمی صادر کند به لحاظ عدالت وی در عمل مورد سوءظن قرار نمی‌گیرد و عظمت اسلام را در هر صورت مدنظر دارد اگر عملی را جرم تلقی نکند با آنکه شاید جامعه نظر دیگری داشته باشد یا مجرمی را عفو یا تخفیف دهد، در حالی که عرف چنین نظری نداشته باشد، همه را بنابر مصالح اسلام انجام می‌دهد و هیچ شائبه‌ای در اقدامات وی نیست.

لذا با توجه به اینکه جامعه اسلامی به‌اندازه کافی از این افراد برخوردار نیست یا آنان بنابر مصالحی که حفظ اسلام و احکام آن مدنظر است از انجام قضاوت کناره‌گیری می‌نمایند اقدام به جذب قضات مأذون می‌شود و در این شرایط قوانین عادی باید نسبت به تعریف بایدها و نبایدها و جرایم و شرایط احراز آن و چگونگی تعقیب مجرم و مجازات یا عفو وی اقدام کند.

## دیدگاه سنتی غالب

آنچه تاکنون در ذهن قضات سرزمین ما که غالباً سابقه خدمت قبل از سال ۱۳۹۴ را دارند نقش بسته، ضرورت کشف، تعقیب، تحقیق، صدور حکم و اجرای مجازات متهم است. متهمی که جرمی را مرتکب شد به محض ورود به نظام کیفری تازمانی که مجازات نشود پرونده وی مختومه نمی‌شود. این شرایط موجب می‌گردد تا شخصی که مرتکب جرم شده احساس کند فردی که او را تعقیب و محاکمه می‌کند یا سیستمی که او در آن محاکمه می‌شود هیچ‌نگاهی به شخصیت او ندارد. این در حالی است که نظام اسلامی در هر شرایطی بر کرامت انسانی تأکید دارد و خطا یا جرم را ذات انسان‌ها نمی‌داند بلکه بر آن است که او تحت شرایطی مرتکب جرم شده و می‌تواند مجدداً

۱- مبسوط در ترمینولوژی حقوق، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ج چهارم، صفحه ۳۲۱، شماره ۱۲۱۷۲. مرکز اسناد.

اصلاح شده و به جامعه بر گردد. لذا او می‌تواند اعتقاد داشته باشد که از این دادرسی اسلامی نفعی برده و شخصیتش برای بازگشت در جامعه آماده شود یا افرادی که او را محاکمه می‌کنند ممنوع او بوده و برای سلامت و بازگشت او به جامعه و جلوگیری از سرکوب شدن خود و خانواده‌اش تلاش می‌کنند و فقط قصد تنبیه و تحقیر او را ندارند چراکه تنبیه و تحقیر در آینده‌ای نه‌چندان دور جامعه‌ای ایجاد می‌کند که ازدحام مجرمین شرایط خطرناکی برای آن به وجود می‌آورد.

آنچه ذهن قضات ما را احاطه کرده، شاید در نگاه اول، خارج از فضای ذهنی محققان و نویسندگان عرصه حقوق جزا در گذشته نباشد، افرادی چون کانت، سزاریکاریا، لومبروزو، بنتام و مانند آن‌ها صاحب‌نظران بزرگی هستند که نظریه‌ای جز مجازات بزهکار در هر شرایطی ندارند. نظریه یا تعریف شخصیت مجرمانه برای برخی افراد که ذاتاً مجرم هستند ... پیامدی به جز فکر کردن به مجازات افراد ندارد حتی اگر تأثیری برای جامعه نداشته یا اساساً جامعه‌ای برای عبرت گرفتن نباشد. اعمال نظریات سزادهی، بازدارندگی و کاهش توان بزهکار، عقابندی است که برای تنبیه مجرم و کاهش جرم در جامعه سال‌ها مورد استفاده قرار گرفته، تدریس و اجرا شده است. لیکن در همان جوامع غربی که خاستگاه این نظریات بوده امروز تعاریف دیگری از جرم و برخورد با مجرم می‌شود. افرادی که اکنون نظریه پردازان حقوق جزای غربی هستند، توجه به کرامت انسانی افراد و شخصیت متهم و تأثیر عدم مجازات افراد در راستای کاهش جرم و اصلاح جامعه و رفع زیان بزه‌دیده و تثبیت حقوق سابق وی را مدنظر قرار می‌دهند تا ضمن اصلاح مجرم وی را به احترام حقوق بزه‌دیده قانع نموده و از تبدیل شدن وی به مجرم خطرناک جلوگیری نمایند.

آنان با تأکید بر حق آزادی آن‌چنان که جان استوارت میل در «رساله درباره آزادی»<sup>۱</sup> آورده است، بر این باورند که قلمرو حکومت در حوزه آزادی‌های افراد تحدید می‌گردد و یا با تأکید بر حق امنیت شهروندان عقیده دارند توسل بی‌رویه به ابزارهای کیفری حقوق جزا، مجموعه قوانین جزایی و نمادهای مجری آن‌ها از جمله منابع ناامنی و مخل آرامش و آسایش عمومی تلقی می‌شوند. از سوی دیگر، نیم‌نگاهی به جامعه اسلامی و تعالیم رایج در آن، این حقیقت را آشکار می‌سازد که بزهکار در جامعه اسلامی از بسیاری موازین شرعی و دینی در موقعیت خویش، چنین آموخته‌که:

۱. امکان توبه برای وی وجود دارد.
۲. با توجه به اینکه انسان اشرف مخلوقات بوده و دارای کرامت می‌باشد در صورت توجه به او پس از ارتکاب جرم یا خطا می‌تواند فرد مؤثری در جامعه باشد.

۱- کیفرشناسی و مبانی پاسخ‌شناسی جرم، دکتر حسین غلامی، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۵، صفحه ۱۱۱ به بعد.

۳. چنانچه در هر صورت مورد مجازات قرار گرفت پرهیز از تحقیر وی که مخالف کرامت انسانی است می تواند در حفظ وی و خانواده اش در اجتماع مؤثر باشد.

### تمهیداتی برای گذار به فضای جدید

آنچه اکنون قانون آیین دادرسی کیفری و در مواردی قانون مجازات اسلامی در اصلاحات سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ به آن پرداخته‌اند تغییر نگاه قضات به جرم، مجرم و اجرای مجازات است. به هر حال قانون گذار اسلامی در کشور جمهوری اسلامی ایران اکنون ریل گذاری دستگاه کیفری را بر مبنای مجازات کمتر یا مجازات نشدن یا عدم تعقیب در شرایطی قراردادده است هر چند این نگاه به نحوی متأثر از نظریات حقوقدانان و محققان غربی باشد لیکن آموزه‌های دینی نیز در این مسیر به قدر کفایت توجیه کننده این نگاه است. قضات باید بدانند که قانون گذار اسلامی برای حفظ حقوق بزه دیده - بزه کار و جامعه و عاری بودن جامعه از خیل مجرمین نگاه جدیدی به تعریف جرم - مجرم و جامعه دارد که در موارد متعدد در قوانین مذکور مشاهده می شود. قضات مأذون باید خرسند باشند که قانون گذار به صورت شفاف تر مسیر رسیدگی قضایی و نحوه برخورد با جرم و مجرم را برای آن‌ها ترسیم کرده و اجرای دقیق این مهم، آن‌ها را از خطر عذاب اخروی مصون می‌دارد و عدم توجه به هریک از این موارد موجبات عذاب آن‌ها را فراهم می‌سازد. قضات مأذون باید بدانند هر چه این تعاریف موشکافانه تر، ریزتر و دقیق تر شود محدوده سه گروه قاضی اهل عذاب تنگ تر و نجات یافتگان دسته آخر وسیع تر خواهد شد.<sup>۱</sup> قضات مأذون باید بدانند اصل در قضاوت اسلامی که بیش از ۸۰٪ آن را در بر می‌گیرد رحمت، رأفت و سمحہ‌نگری است و در ۲۰٪ دیگر هم باید قاطعیت و صلابت خود را با رعایت عدالت برای اصلاح مجرم و تأمین حقوق بزه دیده و جامعه نشان دهند. قضات مأذون باید بدانند حکایت فضیل بن عیاض<sup>۲</sup> آن راهزن خطرناک که با یک یادآور یا شنیدن

۱- امام صادق (ع) «القضات اربعة ثلاثة في النار و واحد في الجنة ..». قضات چهار دسته هستند: سه دسته آن‌ها در آتش و یک دسته در بهشت می‌روند.

۲- فضیل بن عیاض، یکی از زردان معروف بود. کاروان‌ها را مورد دستبرد قرار می‌داد و با نهایت زبردستی، اموال مردم را به غارت می‌برد. کاروان‌هایی که از منطقه سرخس می‌گذشتند، تمام مراقبت‌های لازم را به کار می‌بردند که به چنگ فضیل گرفتار نشوند.

این راهزن خطرناک، به دام عشق دختری افتاد و تصمیم گرفت شبانه خود را به خانه معشوقه خود برساند. نیمه شب، از دیوار خانه دختر بالا رفت ولی هنوز، قدم به خانه او نگذاشته بود که آهنگ دل‌نشینی از خانه مجاور شنید. گوش فرا داد، مردی قرآن می‌خواند و به این آیه شریفه رسیده بود.

آیه شریفه: «والم یأمنون... از مؤمنین شد، صرفاً داستان تاریخی نیست و امکان وقوعش برای هر مجرمی فراهم است. آن‌ها حتماً می‌دانند علی(ع) واقعاً در اجرای مأموریت بازرسی از منزلی که گناهی در آن در حال وقوع بود چگونه حفظ آبروی اشخاص را کردند و چگونه با یک جرم برخورد نمودند و خود بیشتر می‌توانند به پیروی از آن امام همام مجری این رفتارها باشند. دستورات مراجع دینی به‌ویژه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی (ره) در فرمان هشت ماده‌ای خوانده‌اند به‌خوبی حکایت از آن دارد که این فقیهان اجرای قضاوت اسلامی را در چارچوب این مقررات از آن‌ها خواسته‌اند و هرگونه تخطی از آن موجب گرفتاری دنیوی و قطعاً اخروی آن‌ها خواهد شد.

### عدالت ترمیمی، حق مجازات نشدن و نوآوری‌هایی در بافت حقوقی - قضایی

اگر عدالت ترمیمی را فرآیندی بدانیم که ضمن آن همه طرف‌های ذی‌نفع و دخیل در قانون‌شکنی در کنار یکدیگر جمع می‌شوند و به‌صورت گروهی درباره چگونگی مقابله با پیامدهای جرم موردنظر و نتایج آن اتخاذ تصمیم می‌کنند، آنگاه این پدیده و قضازدایی سازوکارهایی محسوب می‌شوند که مجرمین را از فرایند کیفری دور کرده و سبب اعمال سازوکار خفیف‌تر مبتنی بر اصول تربیتی در موارد نقض قانون توسط بزهکاران نسبت به آنان می‌شود. به عبارتی دیگر، عدالت ترمیمی یک شیوه پاسخ‌گویی به رفتار مجرمانه از طریق ایجاد توازن میان نیازهای جامعه، مجنی علیه و مجرمین است. رسالت عدالت ترمیمی، بازگرداندن تعادل به جامعه از طریق ترمیم رخنه‌ای

---

«الم یأمنون اللذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله» (سوره حدید، آیه ۱۶) یعنی: آیا هنوز وقت آن نرسیده که دل‌های مردم با ایمان با یاد خدا خاضع و خاشع شود؟

شنیدن این آیه، چنان تحولی در درون فضیل به‌وجود آورد که بی‌اختیار گفت: خداوند! وقت آن رسیده است و فوراً از دیوار پایین آمد و از گناهی که در نظر داشت چشم پوشید. همین تذکر سبب شد که فضیل از تمام آلودگی‌ها، خود را نجات دهد و دست از دزدی و گناه بشوید. در همان شب که این دگرگونی در درون فضیل پدید آمده و او را سرگردان و منقلب ساخته بود، گذرش به کاروانسرای افتاد که کاروانی در آن فرود آمده و بار انداخته بود. فضیل در گوشه‌ای خزید و سر به گریبان، برگزیده پرگناه خود افسوس می‌خورد. در آن حال شنید که کاروانیان درباره حرکت سخن می‌گویند.

یکی از کاروانیان می‌گفت رفقا! مشب حرکت نکنید و بگذارید هوا روشن شود، زیرا به‌قرار اطلاع، فضیل بر سر راه است و خطر او قافله را تهدید می‌کند. سخن اضطراب‌آمیز کاروانیان، آتشی در دل فضیل برافروخت و از این‌که جنایت او، این چنین مردم را مضطرب و پریشان ساخته به‌شدت متأثر شد و بی‌اختیار از جا برخاست و گفت: مردم بدانید من فضیل بن عیاضم و آسوده‌خاطر باشید که دیگر فضیل دزدی نمی‌کند و راه را بر کاروانیان نمی‌بندد. او به درگاه خدا بازگشته و از گناه خود توبه کرده است.

است که در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... جامعه ایجاد شده است.<sup>۱</sup> نوآوری‌های قانونی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵ بر مبنای عدالت ترمیمی و حق مجازات نشدن، مجموعه‌ای قابل تأمل را در بر می‌گیرد.

### الف - سایه‌های نوآوری در آیین دادرسی کیفری:

قانون آیین دادرسی کیفری با ورود به عناوین میانجیگری، صلح و سازش، رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه، بایگانی کردن پرونده، ترک تعقیب، معلق کردن تعقیب، استمهال رسیدگی برای کسب رضایت، ارجاع به مؤسسه میانجیگری و عدم تعقیب در جرایم منافی عفت غیرعلنی یا فاقد شاکی خصوصی - دخالت دادستان در پذیرش تأمین متهم که سابقه وضع نداشته یا با این وسعت مطرح نبوده است بر رعایت حقوق بزه دیده، بزهدار و جامعه تأکید دارد. مستند موارد مذکور شامل موارد زیر است:

ماده ۱- «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع می‌شود.»

ماده ۷- «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده) مصوب ۱۳۵۷/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.»

ماده ۷۹- «در جرایم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند.»

ماده ۸۰- «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت

۱- مباحث درسی استاد دکتر ناصر قاسمی مدیر گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری در دوره دکتری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد آکسفورد تهران مرکز - ترم اول - سال ۱۳۹۵

کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام باملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با أخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک‌بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند.»

ماده ۸۱- «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از أخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با أخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند.»

ماده ۸۲- «همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد.»

ماده ۸۲- «در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از أخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند.»

ماده ۱۰۲- «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست.»

ماده ۲۲۱- «کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که ملائت او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه الکفاله محل تردید نباشد. چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان می‌رساند. دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهار نظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است.»

## ب- سایه‌های نوآوری در قانون مجازات اسلامی:

در قانون مجازات اسلامی با بیان نوآوری‌های جدید سعی در کمتر مجازات شدن و اصلاح مجرم در صورت احراز جرم و ضرورت مجازات وی دارد. رفع آثار تبعی مجازات، تعیین تکلیف ایام بازداشت یا تحت نظر متهم در صورت عدم صدور حکم حبس به نفع متهم، معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط در صورت عدم استفاده سابق از این حق، نظارت به وسیله سامانه الکترونیکی، مجازات جایگزین حبس، دوران مراقبت، رعایت حال اطفال

کمتر از ۱۵ سال، عدم صدور حکم حبس برای اطفال ۱۵ تا ۱۸ سال، عدم ثبت آثار کیفری برای اطفال، ضرورت احراز ماهیت جرم توسط اطفال بالغ، مرور زمان طرح شکایت، تعقیب و اجرای حکم در جرایم تعزیری که وسیع تر از سابق توصیف شده است و اعمال قاعده درأ در کلیه جرایم که با تردید یا شبهه در وقوع مواجه شوند، از این موارد است. مستندات قانونی مذکور شامل موارد زیر است:

تبصره ۲ ماده ۲۵- «در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می شود.»  
 ماده ۲۷- «مدت حبس از روزی آغاز می شود که محکوم، به موجب حکم قطعی لازم الاجرای حبس می گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می شود. در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق یا سیصد هزار (۳۰۰/۰۰۰) ریال است. چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می گردد.»

ماده ۳۹- «در جرایم تعزیری درجه های هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرروزیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.»

ماده ۴۰- «در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد.»

ماده ۵۶- «نظام نیمه آزادی، شیوه ای است که براساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر این ها را در خارج از زندان انجام دهد.»

ماده ۵۷- «در حبس های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی می تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی،



حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرایند اصلاح یا جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد.»

بندت ماده ۵۸- «محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.»

ماده ۶۲- «در جرایم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)‌های الکترونیکی قرار دهد.»

تبصره- «دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.»

ماده ۶۴- «مجازات جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.»

تبصره- «دادگاه در ضمن حکم، به سنجیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات جایگزین حکم دهد.»

ماده ۶۵- «مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.»

ماده ۶۶- «مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تاشش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.»

ماده ۶۷- «دادگاه می‌تواند مرتکبان جرایم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند.»

ماده ۶۸- «مرتکبان جرایم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.»

ماده ۸۳- «دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح... محکوم می‌گردد.»

ماده ۸۸- «در باره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.»

ماده ۸۹- «در باره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هیجده سال تمام شمسی است مجازات ... اجرا می‌شود؛ در هر صورت فاقد حبس است.»

ماده ۹۱- «در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.»

ماده ۹۴- «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.»

ماده ۹۵- «محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.»

ماده ۱۰۵- «مرور زمان، در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد.»

ماده ۱۰۶- «در جرایم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود.»

ماده ۱۰۷- «مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند.»

ماده ۱۲۰- «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.»

### ج - سایه‌های نوآوری در سایر قوانین

سایه نوآوری‌ها صرفاً محدود به قوانین یادشده نگردیده و برنامه‌های توسعه کشور نیز در مواردی چند، شاهد این نوع نگاه جدید می‌باشد. حضور این نگاه، زمینه‌های گذار پیش‌گفته به فضای جدید اندیشه‌ای بر پایه تفکرات ترمیم-مدار را تسهیل می‌نماید و نویدبخش حرکت‌های

آتی جامعه در این مسیر است.

ماده ۳۸- الف «قوه قضائیه مکلف است نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین قضایی با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم و اختلاف، کاهش عناوین مجرمانه و محکومیت حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات و جرایم جایگزین کردن ضمانت‌اجراهای غیر کیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی اقدام و لوایح مورد نیاز را تهیه و از طریق دولت با رعایت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۸۹/۳/۲۵ به جلسه شورای اسلامی تقدیم کند.»

ب- «قوه قضائیه مکلف است در زمینه‌ی پیشگیری از وقوع جرم و کاهش دعاوی حقوقی نسبت به انجام تکالیف قانونی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط اقدام کند.»

ج- «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است با همکاری دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات عمومی و مردم‌نهاد، به منظور بازاجتماعی شدن محکومان اقدامات زیر را انجام دهد:

۱- تسهیل بازگشت محکومان پس از تحمل کیفر به زندگی شرافتمندانه و رفع موانع اشتغال آنان با ساماندهی و محدود کردن موارد استعمال از سوء پیشینه به موارد خاص و رفع اثر محکومیت در چارچوب قوانین مربوط.»

### جمع‌بندی

با عنایت به آنچه گفته شد و نگاهی که قانون‌گذار اسلامی در هر فرصتی به‌ویژه از سال ۱۳۹۲ و ادامه آن در سال ۱۳۹۴ در قانون آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی و قوانین متفرقه دیگر بیان نموده است و تحولاتی که در حقوق کیفری پس از تجارب فراوان در سخت مجازات کردن مجرمین آمده است و اینکه قضات اسلامی مأذون در تشخیص جرم و رسیدگی و شرایط مجرم و صدور حکم و رعایت مصالح اسلام هستند، امید می‌رود نگاه به جرم، مجرم و مجازات و بزه‌دیده در جامعه به سرعت تغییر کرده و با مشارکت دادن افراد دخیل در پدیده مجرمانه و سپس نهادهای سازشی و عام‌المنفعه و افراد صاحب نفوذ، حق متهم را فقط تعیین و اجرای مجازات ندانسته و اصلاح وی و سلامت جامعه را هدف اصلی خود قرار دهند.

## فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش؛ چاپ دوم، ج چهارم، صفحه ۳۲۱- شماره ۱۲۱۷۲. مرکز اسناد.
۳. روزنامه رسمی شماره ۲۰۹۹۴ مورخ ۹۶/۱/۲۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور.
۴. غلامی، حسین (۱۳۹۵)، کیفرشناسی و مبانی پاسخ‌شناسی جرم، نشر میزان؛ چاپ اول، بهار ۱۳۹۵، صفحه ۱۱۱ به بعد.
۵. مباحث درسی استاد دکتر ناصر قاسمی، مدیر گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری در دوره دکتری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد آکسفورد تهران مرکز، ترم اول، سال ۱۳۹۵.